۳۰ خرداد

استاد محمدعلی کریم‌خانی درگذشت
مردی در پناه شاه‌خراسان

۵ مرداد

نقاش انقلاب آسمانی شد
حبیبا... صادقی نقش بهشت زد

۶ مرداد

درگذشت امیر اشرف آریانپور
مروج موسیقی کلاسیک

۱۹ مرداد

شعر و موسیقی بدون سایه شد
ابتهاج زیر سایه ارغوان

۲ مهر

ابوعلی سینای سینمای ایران درگذشت
آخرین نقش امین تارخ

بهاریه‌هایی برا

اسماعیل آذر، استاد ادبیات و پژوهشگر

سال نو با اندیشه نو

برای ورود به بحث نوروز چه بهتر که گذری برگذشته آن داشته باشیم و از لابه‌لای تاریخ بر آداب و رسوم آن متمرکز شویم.

قبل از هر چیز بد نیست بدانیم که ایرانیان در گذشته‌های دور، دو فصل بیشتر نداشتند؛ یکی فصل سرما و دیگری گرما. فصل گرما که «هاما» خوانده می‌شد شامل بهار و تابستان و فصل سرما که «زیمه» نام داشت شامل پاییز و زمستان می‌شد. نام نوروز از ریشه پهلوی «نوک روچ» گرفته شده و به مفهوم روز نو است. نوک در زبان پهلوی به معنی تازه و ضد کهنه بوده و روز یا روچ نیز به معنی وقت و زمان است. نوروز را به دوران جمشید پیشدادی منتسب کرده‌اند.

در این میان برای ایرانیان باستان فروردین، ماه مهمی است. فروردین از ریشه «فور» و «فرورد» از واژه‌های پارسی باستان به ما رسیده است. در سنگ نبشته «بهستان» یا همان «بیستون» نام یکی از هماوردان داریوش بزرگ «فراورتی» است یا دومین پادشاه ماد هم «فرودتی» نام داشته است. گذشتگان فَروَهَر یا فَروَشی یا فروَرتی را که فروردین از آن می‌آید، روح انسان‌ها می‌دانستند که بعد از مرگ از تن‌شان جدا می‌شود. در گذشته عقیده بر آن بود که قبل از فروردین، فروهرها یعنی ارواح گذشتگان به خانه‌های خودشان می‌آمدند به همین دلیل هم رسم بود که پیش از نوروز، خانه تکانی می‌کردند که اگر آنها آمدند، خانه‌شان تمیز باشد. این رسم امروز هم با نام «خانه تکانی» معروف است. همچنین در گذشته رسم بود روی بام‌های‌شان آتش روشن می‌کردند تا فروهرها در مسیر بازگشت به خانه، راه‌شان را گم نکنند. از دیگر رسومی که ایرانیان باستان به یادگار گذاشته‌اند و این روزها کمرنگ شده فال گوشی، شال انداختن داماد، میر نوروزی، قاشق‌زنی و... است.

چه روزگاری داشتیم

اگر از من بپرسید آیا می‌خواهید همه آنچه الان هست با گذشته عوض کنید می‌گویم بله، چون برای آن‌که همه چیز ساده‌تر بود. چه روزگاری داشتیم. این همه غم نداشتیم، هیچ چیزی کم نداشتیم، گل گاوزبان دوا بود، دوای درد ما بود، پیاده راه کی رفتیم، به کربلا می‌رفتیم، این همه غم نداشتیم، هیچ چیزی کم نداشتیم، مادر بزرگ صفا داشت، حرف‌های بی‌ریا داشت، وصلت‌ها با دعا بود، همه کارا با خدا بود. حالا همه کارها با پول است. پاره‌ای از آدم‌ها برده پولند. به قول سری سقطی عارف قرن سوم، خانه‌ای در این عالم می‌سازیم که هر یک روز از این خانه دور می‌شویم. این چگونه است که این قدر ما کارهای ناصواب برای تن می‌کنیم. تنی که هر روز پیرتر از روز پیشین می‌شود و تنی که باید بگذاریم و برویم.

به قول فردوسی مرا نام باید که تن مرگ راست

به جای این‌که نام خیر از خودمان برجا بگذاریم، کتاب بنویسیم، هنری برجای بگذاریم همه‌اش به فکر تنیم مبادا این تن کم بیاورد. امیدوارم آن اندیشه‌ای که از آن سخن گفتم به وجود بیاید و این عادت بد برای همه مردم جهان کمتر شود.

خیلی دوست داشتم همان روزگار بود. تو ایوان فرش می‌انداختند دور هم ناهار و شام می‌خوردیم. ازدواج هم همین‌طور بود. هرکس ازدواج می‌کرد یک اتاق از خانه را برمی‌داشت. سفره پدر بزرگ و مادربزرگ که پهن می‌شد ۱۵ تا ۲۰ نفر می‌شدند. آدم هیچ وقت احساس درد و رنج نمی‌کرد. یک رسن به نام محبت، جوانمردی، پاکدامنی، پاکدلی و پاک چشمی بود که همه دست‌شان را به این رسن‌ها می‌گرفتند و از این نقاط تاریک می‌آمدند بیرون و لذت می‌بردند از زندگی. اگر یک نفر می‌خواست ازدواج کند و پول نداشت هرکس کاری را بر دوش می‌گرفت. اختلافی پیش می‌افتاد، داوری می‌شد و خیلی ساده به خیر می‌گذشت.

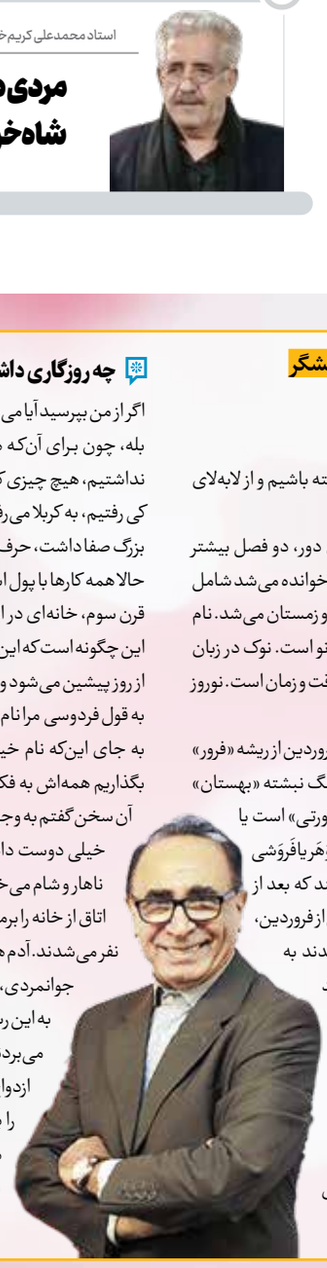

برای خواندن متن کامل کیوآرکد را اسکن کنید

حسین محجوبی، نقاش پیشکسوت:

تمام لذت کودکی ما تخم‌مرغ بازی بود

ما لاهیجانی هستیم که فصل بهار به‌دلیل سرسبزی، این شهر بسیار زیباست و درختان شکوفه می‌دهند. زمان کودکی نوروز که می‌شد، یک شاهی و سناری جزو عیدی‌هایی بود که ما از خانواده می‌گرفتیم، دیدوبازدیدهایی که از بزرگ‌ترها داشتیم و کوچک‌ترها می‌آمدند و تخم‌مرغ‌ها برای بازی ما اهمیت داشت؛ یعنی کیف ما تخم‌مرغ‌بازی بود که به آن مرغانه می‌گفتیم و شیوه بازی به این شکل بود که هرکس می‌توانست تخم‌مرغ دیگری را بشکند، برنده می‌شد. الان حدود ۹۲ سال دارم و از همان کودکی به تهران آمدم و آن شور و شوق نوروز خیلی برای ما دیدنی بود، که الان اصلا نیست. متأسفانه الان همه چیز حالت تشریفاتی و ظاهری به خود گرفته و نسبت به گذشته تفاوت بسیاری به وجود آمده است. من سال‌ها کار نقاشی، معماری و شهرسازی، بازسازی شهرها و پارک ساعی را انجام دادم. متأسفانه شهر ما معماری درستی ندارد و برای نیم ساعت کار در بیرون، ساعت‌ها در ترافیک می‌مانیم.

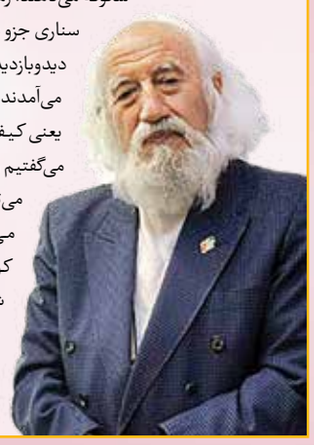

اگر در شهرسازی جمعیت به شکل انفجاری رشد کند، کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. حقوق ما در آن زمان ۸۰۰ تومان بود که بخشی صرف کرایه خانه و خرج روزانه و بخشی هم پس‌انداز می‌شد اما الان شاید ۲۰ میلیون تومان دریافتی داشته باشی تازه بتوانی کرایه‌خانه را بدهی. بنابراین، خواسته‌های جوانان امروز هم به‌دلیل تغییر شرایط قابل قیاس با گذشته نیست و شاید یک‌پنجاهم لذتی که ما می‌بردیم را جوانان امروز نبرند. از این رو هرکسی برای یک کار ساخته شده و جوانان نیز باید ببینند به چه چیزی علاقه دارند و برای چه کاری ساخته شده‌اند. به عبارتی هر جوانی باید نسبت به هدفش عشق داشته باشد و آن هدف را دنبال کند و به این شکل به موفقیت نزدیک می‌شوند. در زمان نوروز این رسم وجود داشت که کدورت‌های میان فامیل برطرف و با هم آشتی می‌کردند. ما با تمام کمبودها و محرومیت‌هایی که داشتیم، از زندگی بیشتر لذت می‌بردیم اما این لذت‌بردن امروز به حداقل رسیده است. آرزو می‌کنم سال آینده ارزش پول ملی بیشتر شود و مردم نگران فردای‌شان نباشند.

هوشنگ توکلی، بازیگر پیشکسوت تئاتر و سینما

نوروز، انسجام و یکپارچگی ایران فرهنگی

بهار فصل نو شدن و شروعی دوباره برای زمین است که رنگی تازه به شهرها، روستاها و خانه‌ها می‌دهد. آداب و رسوم نوروز، سنت استقبال از این فصل است؛ فصلی که آمدنش بهانه خوبی است تا به سنت‌های دیرین‌مان عمیق‌تر بپردازیم. نوروز آیینی است که نه فقط در ایران بلکه در خیلی از کشورها نیز برگزار می‌شود. ترکمنستان، آذربایجان، تاجیکستان، قزاقستان، افغانستان، قرقیزستان، ازبکستان و چند کشور دیگر مراسم این جشن را با آداب و رسوم مخصوص به خود برگزار می‌کنند. براساس کتاب‌های قدیمی و باستانی قدمت نوروز به حدود ۳۰۰۰ سال پیش و زمان جمشید، نخستین پادشاه روی زمین برمی‌گردد.

قدمت نوروز بسیار طولانی است. بنابراین قابل تصور است که در این مدت، آداب و رسوم متعددی به این عید اضافه یا از آن کم شده باشد. کما این‌که اکنون هم عید نوروز در شهرهای مختلف با آداب و رسوم متفاوتی برگزار می‌شود، البته مبانی اصولی آداب و رسوم ثابت هستند اما ظاهر بعضی سنت‌ها با تغییر زمان تغییر شکل داده‌اند. گرچه این آیین‌ها و رسومات در بین اقوام و استان‌های کشور شکل و شمایل خاص خود را دارند اما همه آنها در نهایت به انسجام و یکپارچگی فرهنگی ایران ختم می‌شوند. یکی از مهم‌ترین آداب و رسوم عید نوروز چیدن سفره هفت سین است که هر یک از اجزای آن معنا و مفهوم خاصی دارد. کتاب مقدس، سبزه و گل از الزامات واجب سفره هفت‌سین است. ایرانی‌ها البته شامل مذاهب مختلف هستند و هر ایرانی با توجه به مذهبش، زمان سال تحویل کتاب مقدس خود را می‌خواند. مثلا ما که مسلمان هستیم حتما قرآن می‌خوانیم یا ادیان دیگر با تلاوت کتاب مقدس خودشان به استقبال سال جدید می‌روند.

ما اصالتا تهرانی هستیم و خاطره‌ای که از دوران کودکی‌ام در این ایام به یادم مانده این است که سفره هفت‌سین را مادرم می‌چید و باقی اعضای خانواده به ترتیب بزرگ به کوچک سر سفره هفت سین می‌نشستیم. اگر پدربزرگ و مادربزرگ بودند که بالای سفره می‌نشستند بعد از آنها پدر و مادر و بعد هم بچه‌ها. فکر می‌کنم مهم‌ترین زیبایی عید برای بچه‌ها عیدی گرفتن باشد. خودم که دیگر سال‌هاست عیدی نمی‌گیرم و عیدی می‌دهم. با این اوضاع اقتصادی هم باید یک‌سال کار و پس‌انداز کنم تا بتوانم عید نوروز به بچه‌ها عیدی بدهم.

آرزو می‌کنم در سال جدید به هنر و هنرمند بهای بیشتری داده شود. هنر بدون سازندگی معنا ندارد. وقتی یک هنرمند شروع به ساخت اثری می‌کند، امید دارد که اثرش زمانی که کامل شد مورد توجه مخاطب قرار بگیرد. به شخصه به امید زنده‌ام و هیچ‌کس تاکنون ناامیدی از من ندیده و نشنیده. بنابراین توصیه‌ام به همه مردم در سال جدید این است که امیدشان را از دست ندهند. با امید و روحیه مثبت می‌توان تلاش کرد و به موفقیت رسید. در پایان برای تمام ایرانیان دعای خیر می‌کنم.

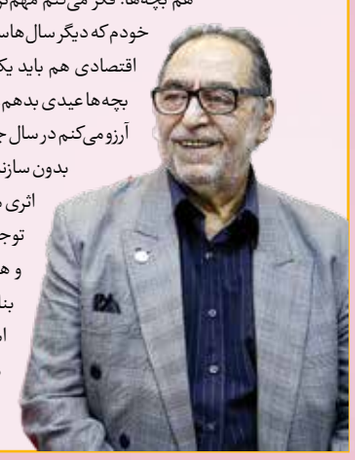

فخرالدین صدیق شریف، بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون

نوروز شناسنامه و هویت ماست

نوروز یک جشن قدیمی از اقوام متعدد است که شناسنامه ایرانی دارد و از آن به عنوان نماد پیوند دهنده افراد و اقوام ایرانی یاد می‌شود. عید، شروع طبیعت و رویش گیاهان است. همگام با تولد دوباره طبیعت، انسان‌ها هم باید روزگاری نو و تازه آغاز کنند. ما ایرانیان اولین گامی که در یک سال برمی‌داریم ملاقات با نوروز است. هر قومی با مجموعه‌ای از آداب و سنن شناخته می‌شود و نوروز شناسنامه و هویت ماست که باید در حفظ و انتقال آن به نسل بعد بکوشیم.

نوروز میراثی است که از گذشتگان به ما به ارث رسیده و دو مرحله دارد. یکی نگه داشتن کرامت بزرگ‌ترها و دیگری ایجاد شادی برای بچه‌ها. در گذشته ارج و منزلت بزرگ‌ترها بسیار حفظ می‌شد و آنها هم متقابلا می‌کوشیدند بچه‌ها را شاد و راضی نگه دارند. برای من نوروز حس شادی و غم را توأمان با یکدیگر دارد. شادی از جهت تداعی حس شیرین کودکی و غم از جهت یادآوری خاطرات بزرگ‌ترهایی که امروز دیگر کنار ما نیستند. در گذشته عیدی گرفتن از شیرین‌ترین قسمت‌های نوروز برای بچه‌ها بود. مبلغش هم خیلی اهمیت نداشت. مهم حس خوشایندی بود که موقع عیدی گرفتن به بچه‌ها دست می‌داد. خدا رحمت کند پدرم را، عادت داشت بعد از تحویل سال از خانه بیرون برود و مجددا دست پر به خانه برگردد. به همین دلیل بعد از تحویل سال از خانه بیرون می‌رفت و خریدی می‌کرد و می‌گفت؛ بگذارید من اولین نفری باشم که در سال جدید وارد خانه می‌شوم. این رسم و رسومات امروز به عنوان یک خاطره شیرین در ذهن ما باقی مانده است. امیدوارم فرزندان ما هم بعدها خاطره شیرینی از ما به یادگار داشته باشند.

بحران‌های اجتماعی به مرور زمان جامعه ما و ارکان و سبک زندگی‌مان را تغییر داده است. امروز به دلیل شرایط اقتصادی بعضی از مردم نمی‌توانند تمام و کمال به خریدهای متداول نوروزی بپردازند که از صمیم قلب آرزو دارم در سال جدید به لحاظ معیشتی وضعیت زندگی مردم بهتر شود. الان شکاف طبقاتی در جامعه ما به شدت به چشم می‌خورد. بعضی‌ها بی‌حساب متمول هستند و بعضی‌ها حتی به قدر تامین مایحتاج روزمره‌شان هم تمکن مالی ندارند. شرایط نامطلوب اقتصادی قطعا به مناسبات اجتماعی و خانوادگی لطمه می‌زند. مسأله‌ای که به وضوح در جامعه ما به چشم می‌خورد، اما ایرانی‌ها بر اساس خصلت بارزشان یعنی مردم‌داری، نداری را به روی خود نمی‌آورند و به قول معروف صورت‌شان را با سیلی سرخ می‌کنند. حتی بعضی‌ها می‌روند پولی قرض می‌کنند تا مایحتاج شب عیدشان را تامین کنند. امیدوارم در سال جدید سلامت و آرامش بر زندگی عامه مردم حاکم شود.

قاب

تنها عنصر هنری هفت سین

استاد پرویز کلانتری، هنرمند جاودانه نقاشی ایران می‌گفت: تخم مرغ رنگی تنها عنصر هنری سفره هفت سین است که در قدیم خانواده‌ها برای نقاشی روی آنها وقت می‌گذاشتند اما زندگی ماشینی سبب شده آنهایی هم که به چیدن سفره هفت سین عقیده دارند، وقت کافی برای رنگ کردن و نقاشی تخم مرغ نگذارند و فقط به رنگ کردن تخم مرغ با زردچوبه و زعفران هنگام آب‌پز کردن بسنده کنند. یادم هست در زمان کودکی من و هم سن و سال‌هایم به امید دیدن نقاشی روی تخم مرغ‌ها پای سفره می‌نشستیم و یکی از انگیزه‌هایی که برای نشستن سر سفره داشتیم همین نقاشی‌های ابتدایی بود که روی تخم‌مرغ کشیده می‌شد و برای ما در دوران کودکی جذابیت داشت.

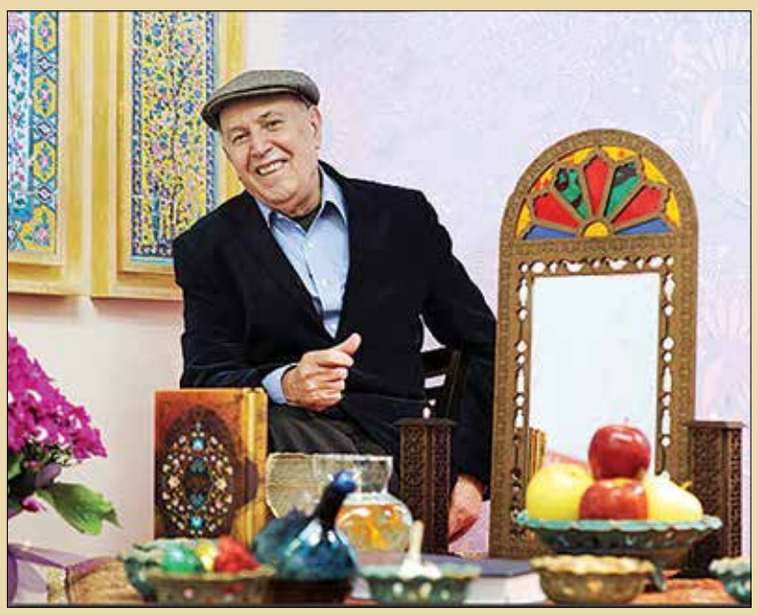

سینما

سینماسازی در سال ۱۴۰۱

توجه به فرهنگ و ابزار توسعه فرهنگی مانند سینما، طی دهه‌های اخیر مورد کم‌توجهی قرار گرفته است.

این موضوع که تاثیر بسیاری بر رشد فرهنگی کشور و شناسایی هویت ملی دارد، ازجمله راهکارهایی است که می‌تواند در دورافتاده‌ترین نقاط کشور به مامنی برای گفتمان فرهنگی میان حکمرانی و مردم تبدیل شود. در راس این موضوع می‌توان سینما را قرار داد. یکی از پراستقبال‌ترین و ارزان‌ترین هنری که در مدت کوتاهی می‌تواند حرف خودش را به مخاطب منتقل کند. تعطیلی بسیاری از سینماها به‌ویژه در استان‌های مختلف باعث شد که این محصول فرهنگی از سبد خانواده‌ها حذف شود.

در سالی که گذشت شاهد نهضت سینماسازی به‌ویژه در استان‌های مختلف بودیم که از نکات قابل توجه به مقوله فرهنگی کشور است. افتتاح سه سالن سینما همزمان با جشنواره فیلم فجر آن هم در شهرهای حاشیه‌ای تهران، پرند و قرچک، در کنار اخبار افتتاح سالن سینما در مشهد، همدان، گنبدکاووس و تبریز نشان از توجه به مقوله سینماسازی در کشور دارد.

کیوآرکد را اسکن کنید

فیلم

خوب، بد، زشت سینما در ۱۴۰۱

صدرنشینی فیلم «انفرادی» در گیشه در سالی که سینمای ایران باز هم با کاهش محسوس مخاطب روبه‌رو بود، قاچاق فیلم‌های سینمایی روی پرده در اوایل سال پیرو قاچاق سریع‌السیر فیلم‌های اکران آنلاین، ادامه حاشیه‌های فیلم «قهرمان» اصغر فرهادی و شائبه برداشت از مستند «دو سر برد، دو سر باخت»، انتشار روایت‌هایی از تعرض و آزارجنسی در سینمای ایران همگام با موج جریان می‌تو در جهان، موفقیت‌های بین‌المللی فیلم جنگ جهانی سوم منهای راهیابی به فهرست نهایی اسکار بهترین فیلم خارجی، سال پربار جشنواره فیلم فجر از منظر حضور فیلم‌های مرتبط با جنگ و انقلاب و مقاومت و انتخاب مرضیه برومند به عنوان مدیرعامل خانه سینما و نخستین خانم مسئول در این زمینه، از جمله مهم‌ترین رویدادها و اتفاقات سینما در سال ۱۴۰۱ بودند.

کیوآرکد را اسکن کنید